

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های

شناختی دانش آموزان ناتوان یادگیری خواندن

Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive skills of students with disabilities learning reading

Zahra sadeghzadeh poodeh ,
Department of Psychology, Isfahan
(Khorasgan) Branch, Islamic Azad
University, Isfahan, Iran

Dr Salar Faramarzi

Associate Professor of Psychology ,
Department of Psychology and
Education of children with special
needs, University of Isfahan, Isfahan,
Iran.

زهرا صادق زاده پوده (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد

اسلامی اصفهان

دکترسalar فرامرزی

استادیار گروه روان شناسی و آموزش کودکان با

نیازهای خاص، دانشکده روان شناسی و علوم

تربیتی دانشگاه اصفهان

Abstract

Introduction: This study Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive skills of students with disabilities learning reading. The research method was experimental and pretest - posttest control group design was used. For this purpose the students with Learning Disabilities in the Isfahan read in 2016-17 using multi-stage sampling method and according to the criteria for inclusion 45 students into two groups neuropsychological skills (15) and multimedia training (n =15) and control group (n =15) were assigned. Collect information from the Wechsler Intelligence Scale for Children Fourth Edition (WISC_IV) and Karaminori dyslexia test was used. Data obtained by multivariate analysis of covariance (Mancova)

چکیده

پژوهش حاضر بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش آموزان ناتوان یادگیری خواندن. روش پژوهش آزمایشی و از طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. به این منظور از بین دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری خواندن در شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ با استفاده از روش نمونه گیری چندمرحله ای و با توجه به ملاک های ورود به پژوهش ۴۵ دانش آموز انتخاب و در دو گروه آزمایش مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی (۱۵ نفر) و آموزش چندرسانه‌ای (۱۵ نفر) و نیز گروه کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. برای جمع آوری اطلاعات از مقیاس هوشی وکسلر کودکان ویرایش چهارم (WISC_IV) و آزمون نارساخوانی

were analyzed. The results showed that the three groups there was no significant difference in post-test and control ($P < 0/05$). The results showed that educational interventions based on the growth of multimedia teaching skills neuropsychological and cognitive skills (executive function, working memory and attention) has been effective and led to a significant increase in performance in the experimental groups than the control group at posttest been ($P < 0/05$). And led to a significant increase in performance in the experimental groups than the control group at posttest been ($P > 0/05$). It can be concluded from the results of neuropsychological skills and modern multimedia teaching methods to stimulate the potential of school students are learning disabilities, as therapies that can be used in clinics and centers of learning.

Keywords: Neuropsychology, cognitive skills, learning disability.

کرمی‌نوری استفاده شد. داده‌های بدست آمده با روش آماری تحلیل کواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین ۳ گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین نتایج نشان داد که مداخله آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی و آموزش چندرسانه‌ای بر رشد مهارت‌های شناختی (کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه) موثر بوده است و منجر به افزایش معنادار عملکرد در گروه‌های آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون گردیده است، ضمن این که آموزش عصب‌روانشناختی نسبت به آموزش چندرسانه‌ای سطح افزایش بیشتری را در متغیرهای وابسته گروه آزمایش نسبت به گروه گواه اختصاص داده است. ($P < 0/05$). موجب بهبود نارساخوانی دانش‌آموزان می‌شود و از آن‌ها می‌توان به عنوان روش‌های درمانی در کلینیک‌ها و مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری مورد استفاده قرار داد.
واژگان کلیدی: عصب‌روانشناختی، مهارت‌شناختی، ناتوانی یادگیری.

مقدمه

تمامی کودکان دارای حق سوادآموزی هستند و در سیستم آموزش و پرورش انتظار می‌رود که کودکان در پایان مقطع ابتدایی به طور روان بخوانند و آنچه را خوانده‌اند درک کنند و در نتیجه آنها بتوانند بخوانند تا یاد بگیرند (آموزش برای همه، ۲۰۱۱). لذا حق سوادآموزی نیز نتوانسته مانع از یادگیری خواندن و نوشتن شود، چرا که بیش از یک قرن است که متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان در پی تشخیص و درمان مشکلی به نام مشکلات یادگیری بوده‌اند، طبق قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ در آمریکا، یکی از ناتوانی‌های یادگیری، نارساخوانی^۱ است. دیس‌لکسی یا نارساخوانی اصطلاحی است که برای کودکانی که

¹ - Dyslexia

علی رغم هوش طبیعی قادر به خواندن نیستند به کار می‌رود. این گروه از کودکان ممکن است بسیاری از واژه‌ها را بدانند و به راحتی آنها را در مکالمه بکار بگیرند، اما قادر به درک و شناسایی نشانه‌های نوشتن یا چاپی نیستند. همچنین کودکان با نارساخوانی در نامیدن کلمات، حروف و اعداد نیز کند هستند (فلتچر، ریدلیون، فاجس و بارنس^۱ ۲۰۰۷).

توانایی‌های یادگیری عصب روان شناختی / تحولی، پایه‌یادگیری تحصیلی هستند. مثلاً یادگیری نوشتن نیازمند مهارت در تعدادی مهارت‌های حرکتی، برنامه ریزی حرکتی، هماهنگی حرکتی ظریف انگشتان، هماهنگ چشم و دست است. یادگیری خواندن نیز نیازمند مهارت در توانایی برای فهم و استفاده از زبان، مهارت ادراک شنیداری، تشخیص اصوات در کلمات، آگاهی واج شناختی و توانایی ادراک دیداری برای تشخیص حروف و کلمات است. یادگیری ریاضیات نیز نیازمند تسلط در مهارت‌های فضایی - دیداری، مفاهیم کمی، شناخت اعداد و دیگر مهارت‌های پیش نیاز است (لرنر، ۲۰۰۳، کرک و همکاران، ۲۰۰۶).

ناتوانی‌های یادگیری تحصیلی مشکلاتی هستند که عمده‌تاً کودکان دبستانی تجربه می‌کنند. هنگامی که به نظر می‌رسد کودک توانایی بالقوه‌یادگیری و امکان‌یادگیری در مدرسه را دارد، باین حال پس از دریافت آموزش کافی نمی‌تواند بیاموزد، می‌توان او را به عنوان فرد ناتوان دریادگیری در خواندن، هجی کردن، یا بیان نوشتاری و یا ریاضیات در نظر گرفت (کرک و چالفانت، ۱۹۸۴).

درواقع عمل خواندن زمانی آغاز می‌شود که کودک اولین کلمات را برای مقصود خود، به کار می‌برد. در این هنگام کودک با دیدن یا لمس شی یا تصویر آن، کلمه یا نماد برایش تداعی می‌شود. به سخن دیگر مجموعه‌ای از صداها جایگزین اشیاء، تصاویر، و مفاهیم آنها می‌گردد. پس از تجربه کافی در این زمینه و با آغاز سن ورود به مدرسه و برخورداری از آموزشهای لازم، مرحله ارتباط دادن کلمات یا صداها با نمادهای تصویری (کلمات نوشتاری) شروع می‌شود. به عبارتی دیگر در این مرحله کودک می‌تواند برای هر یک از صداهایی که در زبان محیطی موجود است، یک نشانه یا نماد تصویری را جایگزین کند و پس از آن، این نمادها را به یکدیگر ترکیب نماید و کلمه و جمله را بخواند. در جریان خواندن کودک باید بتواند شکل‌های پیچیده و انتزاعی حروف و کلمات را ادراک و شناسایی کند، آنها را به خاطر

^۱- Fletcher, Lyon, Fuchs & Barnes

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

بسپارد و نیز آنها را ادراک کند. برخی از متخصصان خواندن را ساختاری دو مرحله‌ای می‌دانند که مرحله اول، تبدیل نمادهای (کلمات) مورد مشاهده به صداها و مرحله دوم تجزیه و تحلیل صداها به مفاهیم زبانی است که فرد باید به آن مسلط باشد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴). تحقیقات دنتون، واگ، فلیتچر^۱ (۲۰۰۳) نشان داد که دانش‌آموزان نارسا خوان برای غلبه بر مشکلات خواندن نیازمند آموزش متفاوتی می‌باشند. و این در حالی است که امروزه استفاده از تکنیک‌های موثر برای دستیابی به اهداف یادگیری دارای اهمیت بسیاری شده است. از مفاهیم جذاب و کارآمد در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی که مورد استقبال برنامه ریزان آموزشی و دیگر علمای تعلیم و تربیت قرار گرفته، مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی و آموزش چندرسانه‌ای است (آراد^۲، ۲۰۰۴).

مهدی زاده، فیضی و اسلام پناه (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان آموزش به شیوه «حرف-هجا-کلمه» با کمک چندرسانه‌ای‌های دیجیتال و تاثیر آن بر پیشرفت خواندن دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی نشان دادند که آموزش خواندن به کمک چندرسانه‌ای نسبت به شیوه رایج، بر عملکرد توانایی خواندن دانش‌آموزان در سه مولفه صحیح خوانی، سریع خوانی و افزایش ذخیره واژگان تاثیرگذارتر بوده است.

همچنین در سال‌های اخیر اهمیت رسانه‌ها و تاثیرات گسترده آن بر کودکان در رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی‌شان در سطح گسترده‌ای آشکار شده است، آموزش مبتنی بر چندرسانه‌ای یعنی استفاده از رسانه‌های مختلف مانند چاپ، صوت، تصویر، فیلم، پویا نمایی و غیره که اخیراً با عنوان آموزش الکترونیک نیز معروف شده اس، پاسخی به نیازهای جامعه امروز است که در آن تقریباً غیرممکن است بتوان همه افراد در یک کلاس، در یک زمان و با یک روش به گونه‌ای آموزش را ارائه نمود که یادگیری برای همه آنها صورت پذیرد. آموزش مبتنی بر چندرسانه‌ای پاسخی به سبک‌های مختلف یادگیری افراد است. آموزش به کمک رایانه با قابلیت چندرسانه‌ای، می‌تواند حواس گوناگون را همزمان در فرایند تجربه چندحسی به کار گیرد و برای افراد با ویژگی‌های متفاوت، محیط مطلوب یادگیری ایجاد نماید (مهدی زاده، فیضی، اسلام پناه، ۱۳۹۰).

¹- Denton, Wugg, & Fletcher

² - Arad

آموزش و رشد مهارت‌های عصب روان شناختی، نقش اساسی در گسترش و توانمندی های اجتماعی، تحصیلی و آموزشی دارند (بلایر، زلازو و گرین برگ، ۲۰۰۵).

ملبی و هولم^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی تاثیر حافظه بر پیشرفت توانایی شناختی و عملکردهای تحصیلی دانش آموزان نارساخوان را بررسی کردند، نتایج نشان داد که این برنامه آموزشی بهبود قابل اعتمادی در عملکرد خواندن و توانایی های شناختی دانش آموزان خواهد داشت. صاحبان، امیری، کجباف و عابدی (۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثر کوتاه مدت آموزش کارکردهای اجرایی بر کاهش نشانه های کمبود توجه و نقص بیش فعالی در دانش آموزان پسر دوره ابتدایی شهر اصفهان نشان دادند که آموزش کارکردهای اجرایی منجر به کاهش نشانه های کمبود توجه در دانش آموزان گردیده است

صالحی آذری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان آموزش حافظه فعال دیداری فضایی براساس علوم عصب روان شناختی و تاثیر آن بر توجه کودکان نارساخوان نشان دادند که آموزش حافظه فعال، مهارت های دیداری فضایی گروه آزمایش را نسبت به گروه گواه غنی تر ساخته است و همچنین تاثیری انتقالی در تکالیف اجرایی توجه همچون توجه صرف، هشیاری بصری و سرعت بصری که بعد از آموزش بهبود یافته اند (به نقل از آقاجانی، خانزاده و موسی کافی، ۱۳۹۴).

قلمزن، ملکپور و فرامرزی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی بازی های توجهی بر میزان عملکرد حافظه و یادگیری کودکان پیش دبستانی با ناتوانی های یادگیری عصب روانشناختی نشان دادند که این برنامه آموزشی بهبودی قابل اعتمادی در عملکرد حافظه و یادگیری کودکان با ناتوانی های یادگیری عصب روانشناختی دارد.

بنابراین پیش نیازهای درست خواندن، برخورداری از توانایی هایی چون حافظه شنوایی، ادراک شنوایی، حافظه بینایی، ادراک بینایی، ترکیب ادراک بینایی و شنوایی (تطبیق علائم نوشتاری با واح‌های زبان)، هماهنگی حرکات چشم برای دیدن حروف، کلمات و جملات و جهت آنها، ادراک فضایی مناسب از حروف، کلمات و جملات، سازماندهی زمان یا چگونگی آغاز و پایان متن و نیز کلمه ضروری است (سمرود- کلیکمن^۲، ۲۰۰۹). در کنار همه مشکلات

¹- Blair, zelazo & Greenberg

² - Melby, M. & Hulme

³- Semrud-Clkman & Ellison

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

تحصیلی ناشی از ناتوانی خواندن، باید به مشکلات دیگری همچون مشکلات گفتار، ادراک، تفکر، شخصیت، رفتار و پذیرش اجتماعی و اعتماد به نفس، پیشرفت تحصیلی و شغلی در این کودکان اشاره کرد. با توجه به اهمیتی که در این بیان وجود دارد، این پژوهش درصدد بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری خواندن را بررسی نماید

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر براساس ماهیت و هدف اصلی پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش مهارت‌های عصب‌روانشناختی و آموزش چندرسانه‌ای مبتنی بر کامپیوتر بر بهبود مهارت‌های شناختی و عملکرد خواندن دانش‌آموزان مبتلا به نارسانخوان، تجربی (آزمایشی) با در نظر داشتن دو گروه آزمایش و کنترل و اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌باشد. تحقیق آزمایشی، نقشه یا طرح از پیش تعیین شده‌ای است که به کمک آن چگونگی اجرای متغیر مستقل و نحوه انتخاب گروه‌های پژوهشی تعیین می‌شود و عمده‌ترین نقش آن کنترل است (دلاور، ۱۳۹۴). در این پژوهش روش‌های درمانی آموزش مهارت‌های عصب‌روانشناختی و آموزش چندرسانه‌ای مبتنی بر کامپیوتر به عنوان دو متغیر مستقل و مهارت‌های شناختی و عملکرد خواندن به عنوان متغیرهای وابسته می‌باشند.

جدول ۱: سیمای کلی طرح پژوهش

مدخلات	گزینه‌ها			گروه
	تصادفی آزمودنی‌ها	تصادفی آزمودنی‌ها	تصادفی آزمودنی‌ها	
عصب	T ₂	X	T ₁	گروه
روانشناختی			1	آزمایش
چندرسانه‌ای	T ₂	X	T ₁	گروه
			1	آزمایش
کنترل	T ₂	-	T ₁	گروه
				کنترل

در این طرح R بیانگر واگذاری تصادفی شرکت کنندگان در دو گروه آزمایش و کنترل است. در مرحله بعدی اعضای سه گروه قبل از اجرای مداخلات آموزشی بوسیله پیش آزمون (T_1) ارزیابی شدند. سپس بر روی گروه های آزمایش مداخلات آموزشی (X_1) اعمال گردید، در حالی که گروه کنترل این مداخلات را دریافت نکردند. سپس سه گروه با استفاده از پس آزمون (T_2) مورد ارزیابی قرار گرفتند تا میزان تاثیر متغیرهای مستقل (مهارت های عصب روان شناختی و آموزش چندرسانه ای مبتنی بر کامپیوتر) بر متغیرهای وابسته (نمرات پس آزمون مهارت های شناختی و عملکرد خواندن) سنجیده شود.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان نارساخوان مقطع دبستان مشغول به تحصیل در دبستان های شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ تشکیل دادند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان نارساخوان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش استان اصفهان که توسط مراکز ناتوانی های یادگیری خاص تشخیص داده شده اند، تشکیل می دهد. بدین صورت که دو ناحیه آموزشی از بین نواحی ۶ گانه شهر اصفهان به تصادف انتخاب شدند، سپس با مراجعه به مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری این نواحی، از بین دانش آموزان نارساخوان با توجه به ملاک های ورود به پژوهش تعداد ۴۵ نفر به تصادف انتخاب و مجدداً بصورت گمارش تصادفی در سه گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. معیارهای ورود به پژوهش:

- ۱- برخورداری از هوش متوسط و یا بالاتر از متوسط با استفاده از مقیاس هوشی وکسلر (WISC_IV) ویرایش چهارم.
- ۲- نقص جدی در مهارت خواندن با بررسی کارنامه تحصیلی که بواسطه متخصصان کودک نارساخوان تشخیص داده شده بودند.
- ۳- تحت هیچ گونه برنامه درمانی جهت بهبود عملکرد خواندن و مهارت عصب روان شناختی نباشند.
- ۴- هیچ گونه مشکل جسمی، رفتاری، شناختی و ذهنی نداشته باشند، در بقیه مواد درسی در سطحی مطلوب و عادی باشند.
- ۵- برخورداری از شرایط خانوادگی و فرهنگی مناسب

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

معیار خروج از گروه‌این بود که در جلسات آموزشی غیبت بیش از ۳ جلسه داشته باشند، تحت درمان دارویی جهت سایر مشکلات جسمی و رفتاری و... باشند، شرکت در برنامه‌های درمانی منجر به لطمه زدن به سایر دروس کودک باشد.

ابزارهای پژوهش

مصاحبه بالینی. از این روش برای تشخیص بالینی ناتوانی یادگیری املا استفاده شد. بدین صورت کودکانی که توسط معلمان مدرسه به علت ضعف در درس خواندن به مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری ارجاع داده می‌شدند توسط یک آموزگار متخصص کودک در مرکز آموزشی و توانبخشی ویژه یادگیری ناحیه ۴ استان اصفهان مورد مصاحبه قرار می‌گیرند تا تشخیص قطعی نارساخوان را دریافت نمایند.

مقیاس وکسلر کودکان ویرایش چهارم (WISC-IV) از این مقیاس برای بررسی عملکرد شناختی کودکان استفاده می‌شود. برای بررسی روایی این مقیاس روشهای مختلفی به کار برده شده است، از جمله محاسبه همبستگی بین زیر مقیاس هاو بهره های هوشی و تحلیل عوامل که هر دو روش، موید روایی مناسب است. همبستگی نمره‌های آزمودنی ها در این مقیاس و مقیاسهای وکسلر کودکان، ویرایش سوم پیش دبستان، ویرایش سوم بزرگسال، مقیاس پیشرفت انفرادی وکسلر، مقیاس حافظه کودکان، سیاهه هوش هیجانی بار آن- و نظام سنجش رفتار سازش یافته، نشانگر روایی ویرایش چهارم مقیاسهای هوشی وکسلر کودکان است. ربیعی، صادقی و عابدی در سال 1386 این آزمون را انطباق و هنجاریابی کرده اند. ضراب پایایی این خرده آزمونها از طریق آلفای کرونباخ 0/65 تا 0/94 و از طریق روش تنصیف بین 0/76 تا 0/91 گزارش دادند. روایی مقیاس از طریق اجرای همزمان با وکسلر شهیم و ریون در سطح مطلوبی گزارش کردند (صادقی، ربیعی و عابدی، 2011). در ویرایش چهارم این مقیاس، هوش بهر کل و چهار نوع هوشبهر محاسبه می گردد که شامل درک کلامی (شی=باهت ها، واژگان، درک مطلب، اطلاعات عمومی و اسنادلا کلامی)، استدلال ادراکی (طراحی با مکعب ها، مفاهیم تصویری، استدلال تصویری و تکمیل تصاویر)، حافظه فعال (فراختای ارقام، توالی حرف و عدد و تکمیل حساب) و سرعت پردازش (رمزنویسی، نمادیابی و تکمیلی خط زنی) می باشد(علی پور، برداران و ایمانی فر، 1394). در این پژوهش از این مقیاس برای بررسی هوشبهر کودکان حاضر در پژوهش استفاده شد که بنابر آن کودکان حاضر در پژوهش باید

دارای هوشبهر نرمال باشند. ضمن اینکه جهت سنجش توانایی های شناختی دانش آموزان نیز از این ابزار استفاده شد).

آزمون خواندن و نارساخوانی . این آزمون توسط کرمی نوری و مرادی (۱۳۸۴) ساخته و بر روی ۱۶۱۴ دانش آموز (۷۷۰ دانش آموز پسر و ۸۴۴ دانش آموز دختر) در پنج پایه ی تحصیلی شهر تهران، سنندج، تبریز انجام و هنجاریابی شده است. پس از گردآوری داده ها و انجام عملیات آماری برای هر پایه در هر شهر نمرات خام و نمرات هنجار محاسبه گردیده است. خرده مقیاس های به کار رفته در نارساخوانی شامل آزمون خواندن کلمات، آزمون درک خواندن متن، آزمون زنجیره ی کلمات، آزمون درک کلمات، آزمون قافیه، آزمون حذف آواها، آزمون خواندن کلمات بامعنی، آزمون نامیدن تصاویر، آزمون نشانه حروف و آزمون نشانه کلمات می باشد. در هر خرده آزمون برای هر پاسخ صحیح ۱ نمره در نظر گرفته می شود، با اجرای این آزمون در نهایت ۱۱ نمره بدست می آید. ۱۰ نمره مربوط به هر خرده آزمون و ۱ نمره کل به عنوان عملکرد خواندن در نظر گرفته می شود. ضریب آلفای کرونباخ آزمون خواندن و نارساخوانی ۰/۸۱ به دست آمده است (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۸۴).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده های خام حاصل از این پژوهش توسط نرم افزار (SPSS 22) در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از روش های آمار ی تحلیل کوواریانس صورت گرفت. بدین صورت که پس از بررسی رابطه ی بین متغیرهای شناختی و پیش آزمون با نمرات پس آزمون، اثر متغیرهای کنترل از روی متغیرهای وابسته برداشته شد و سپس گروه ها با هم مقایسه شدند.

یافته ها

فرضیه پژوهش: روش آموزش مبتنی بر مهارت های عصب روان شناختی بر بهبود مهارت های شناختی دانش آموزان ناتوان یادگیری خواندن در مرحله پس آزمون موثر می باشد.

۴-۳ پیش فرض های آماری

۴-۳-۱ پیش فرض توزیع نرمال نمرات

اساس این پیش فرض بر آن است که فرض می شود توزیع نمرات در جامعه نرمال بوده و اگر در گروه های نمونه کجی یا کشیدگی حاصل شده، به خاطر انتخاب تصادفی افراد

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

بوده است، برای آزمون این فرضیه به دلیل گروه نمونه کمتر از ۲۰۰ نفر از آزمون شاپیرو-ویلکز استفاده می‌شود. (مولوی، ۱۳۸۶). نتایج این آزمون برای فرضیه‌های پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون شاپیرو-ویلکز در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در

مرحله پس آزمون

متغیر	آماره	درجه	سطح معناداری
خواندن	۰/۹۷	۴۵	۰/۵۷
زنجیره کلمات	۰/۹۶	۴۵	۰/۲۳
آزمون قافیه	۰/۹۵	۴۵	۰/۱۱
نامیدن تصاویر	۰/۹۶	۴۵	۰/۱۷
درک متن	۰/۹۵	۴۵	۰/۱۰
درک کلمه	۰/۹۳	۴۵	۰/۰۱
حذف آوا	۰/۹۶	۴۵	۰/۱۲
خواندن ناکلمه و شبه کلمات	۰/۹۷	۴۵	۰/۴۶
نشانه‌های حروف	۰/۹۸	۴۵	۰/۸۴
نشانه‌های مقوله	۰/۹۳	۴۵	۰/۰۱
زبان	۰/۹۷	۴۵	۰/۳۳
کارکرد اجرایی	۰/۹۴	۴۵	۰/۰۴
حافظه فعال	۰/۹۷	۴۵	۰/۳۹
توجه	۰/۹۵	۴۵	۰/۰۶
پردازش بینایی-فضایی	۰/۹۵	۴۵	۰/۰۵

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات سه گروه رد نمی‌شود. یعنی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در سه گروه تایید می‌شود. بجز در متغیرهای درک کلمه، نشانه‌های مقوله، کارکردهای اجرایی و پردازش بینایی فضایی که با توجه به استاندارد بودن ابزار پژوهش، استفاده از روش تصادفی جهت نمونه‌گیری و گروه نمونه بالاتر از ۴۰ نفر آزمون F در برابر نقض برخی قوانین از استحکام کافی برخوردار می‌باشد، و استفاده از آزمون F با محدودیتی مواجه نمی‌باشد.

پیش فرض تساوی واریانس ها

در این پژوهش برای تحلیل آماری داده‌ها از تحلیل واریانس استفاده شده است. به منظور استفاده از این روش لازم بود که در ابتدا پیش فرض تساوی واریانس ها مورد بررسی قرار گیرد. اساس این پیش فرض بر این است که فرض می‌شود واریانس های نمرات دو گروه، در جامعه با هم برابرند و از لحاظ آماری تفاوت معنی داری ندارند (مولوی، ۱۳۸۶). برای آزمون این فرضیه از آزمون لوین استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لوین درمورد پیش فرض تساوی واریانس های نمرات

متغیرها در جامعه

متغیر	سطح معناداری	آزادی درجه	آزادی درجه	سطح معناداری
خواندن	۰/۹۵	۲	۴۲	۰/۳۹
زنجیره کلمات	۲/۷۴	۲	۴۲	۰/۰۷
آزمون قافیه	۱/۰۵	۲	۴۲	۰/۳۵
نامیدن تصاویر	۱/۸۹	۲	۴۲	۰/۱۶
درک متن	۰/۰۶۲	۲	۴۲	۰/۹۴
درک کلمه	۷/۱۹	۲	۴۲	۰/۰۰۲
حذف آوا	۰/۲۴	۲	۴۲	۰/۷۸
خواندن ناکلمه و شبه کلمات	۷/۰۱	۲	۴۲	۰/۰۰۲
نشانه های حروف	۴/۰۷	۲	۴۲	۰/۰۲۴
نشانه های مقوله	۱/۰۱	۲	۴۲	۰/۳۷
زبان	۱/۵۲	۲	۴۲	۰/۲۲
کارکرد اجرایی	۹/۲۷	۲	۴۲	۰/۰۰۱
حافظه فعال	۳/۹۵	۲	۴۲	۰/۰۲
توجه	۱/۹۸	۲	۴۲	۰/۱۵
پردازش بینایی-فضایی	۱/۴۴	۲	۴۲	۰/۲۴

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مقدار F بدست آمده آزمون لوین برای همه متغیرهای فوق از نظر آماری معنادار نیست، بنابراین پیش فرض تساوی واریانسها رد نمی‌شود و به معنای برابر بودن واریانسهای دو گروه در متغیرهای مورد بررسی است. اما این پیش فرض در متغیر درک کلمه، خواندن ناکلمه و شبه کلمات، نشانه‌های حروف، کارکردهای اجرایی و حافظه فعال رد می‌شود که با توجه به تصادفی بودن روش نمونه‌گیری و تصادفی بودن شیوه انتخاب حجم نمونه‌ها در دو گروه، برقراری پیش فرض نرمالیتی داده‌ها و نمونه بالاتر از ۳۰ نفر و هم چنین برابری تعداد نمونه‌ها در دو گروه، آزمون واریانس در برابر نقض برخی پیش فرض‌ها مقاوم بوده و اشکالی در روند اجرای پژوهش و استفاده از تحلیل واریانس ایجاد نمی‌کند (بهرامی، ۱۳۸۸). با توجه به نتایج پیش فرض تساوی واریانس‌ها و پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات، از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره آموزش مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود توانش‌های

شناختی (زبان، کارکردهای اجرایی، حافظه فعال، توجه، پردازش بینایی - فضایی)

منبع تغییرات	ارزش	F	درجه آزادی فرض	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
اثر پیلای	۰/۶۷	۷/۷۵	۵	۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۰/۹۹
لامبدای ویلکز	۰/۳۲	۷/۷۵	۵	۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۰/۹۹
اثر هلتینگ	۲/۰۴	۷/۷۵	۵	۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۰/۹۹
بزرگترین ریشه روی	۲/۰۴	۷/۷۵	۵	۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۰/۹۹

با معناداری آزمون MANCOVA این نتیجه حاصل می‌گردد که حداقل باید یکی از متغیرها معنادار بوده باشد. لذا به بررسی آزمون‌های تک متغیره پرداخته شد تا مشخص گردد کدامیک از متغیرها معنادار بوده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig	اندازه اثر	توان آزمون
گروه	زبان	۰/۰۳۳	۱	۲۳/۲۳۲	۰/۰۰۳	۰/۹۶	۰/۰۰۳	۰/۹۵
	کارکرد اجرایی	۷۰/۲۱۸	۱	۷۰/۲۱۸	۳/۶۲۰	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۸۴
	حافظه فعال	۵۸۰/۷۲۰	۱	۵۸۰/۷۲۰	۲۵/۵۹۲	۰/۰۰۱	۰/۵۲	۰/۹۹
خطا	توجه	۵۲/۱۲۵	۱	۵۲/۱۲۵	۶/۰۸۲	۰/۰۲	۰/۲۰	۰/۷۵
	پردازش بینایی-فضایی	۰/۸۸۸	۱	۰/۸۸۸	۰/۵۷۸	۰/۴۵	۰/۰۲	۰/۸۵
	زبان	۲۹۱/۴۶۰	۲۳	۱۲/۶۷۲				
کل	کارکرد اجرایی	۵۲۱/۸۹۶	۲۳	۲۲/۶۹۱				
	حافظه فعال	۴۴۶/۱۰۱	۲۳	۱۹/۳۹۶				
	توجه	۱۹۷/۱۱۱	۲۳	۸/۵۷۰				
کل	پردازش بینایی-فضایی	۳۵/۳۴۹	۲۳	۱/۵۳۷				
	زبان	۱۶۸۸۵	۳۰					
	کارکرد اجرایی	۱۲۹۳۶	۳۰					
	حافظه فعال	۴۱۳۰۷	۳۰					
	توجه	۴۴۳۶۹	۳۰					
پردازش بینایی-فضایی	۲۸۱۴	۳۰						

همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد مداخله آموزش مبتنی بر مهارت های عصب روان شناختی رشد مهارت های شناختی (کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه) موثر بوده است و منجر به افزایش معنادار عملکرد در گروه‌های آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس آزمون گردیده است. آموزش مبتنی بر مهارت های عصب روان شناختی در مهارت‌های شناختی کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه به ترتیب ۱۳ درصد، ۵۲ درصد و ۲۰ درصد واریانس تغییرات را تبیین می‌نماید ($P < 0.05$). و این در حالی است که روش آموزش عصب شناختی تغییر معناداری در خرده مقیاس های زبان و پردازش بینایی - فضایی ایجاد نکرده است ($P > 0.05$).

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی (زبان، حافظه فعال، کارکردهای اجرایی، توجه و پردازش بینایی-فضایی) دانش‌آموزان ناتوان یادگیری خواندن در مرحله پس از آزمون موثر می‌باشد.

براساس یافته‌ها مداخله مهارت‌های عصب‌روانشناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی (کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه) موثر بوده است و منجر به افزایش معنادار عملکرد در گروه‌های آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس از آزمون گردیده است. آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روانشناختی در مهارت‌های شناختی کارکرد اجرایی، حافظه فعال و توجه به ترتیب ۱۳ درصد، ۵۲ درصد و ۲۰ درصد واریانس تغییرات را تبیین می‌نماید ($P < 0/05$). و این در حالی است که روش آموزش عصب‌روانشناختی تغییر معناداری در خرده‌مقیاس‌های زبان و پردازش بینایی - فضایی ایجاد نکرده است ($P > 0/05$). که همسوی با یافته‌های پژوهشی ملبی و هولم (۲۰۱۳)؛ صالحی آذری (۱۳۹۲) و صاحبان، امیری، کجباف و عابدی (۱۳۸۹) می‌باشد.

بهبود و توانبخشی توانمندی‌های شناختی براساس نظریه پیچیدگی و کنترل شناختی، در قالب رشد وابسته به سن و در چارچوب حداکثر عملیات و قوانین پیچیده‌ای که کودک می‌تواند تمرین کند و برای حل مساله مورد استفاده قرار دهد بستگی دارد. کودک تجارب خود را از طرق گوناگون در طی دوران رشد بدست می‌آورد. بنابراین غنی‌سازی محیط و استفاده از سبک‌های مدون و البته تخصصی که شامل همه فرایندهای مورد نیاز در امر یادگیری و متناسب با نیازهای رشدی کودک باشد مانند مهارت‌های عصب‌روانشناختی، بدست می‌آید. از جمله نکات مهمی که در آموزش پذیر بودن مهارت‌های شناختی و سایر مهارت‌های عصب‌روانشناختی حایز اهمیت است، تابعیت خرده‌مقیاس‌های مهارت‌های عصب‌روانشناختی از فرایند رشد است. در واقع وابسته بودن رشد این مهارت‌ها به موقعیت کودک بستگی دارد، چرا که براساس نظر متخصصان نخستین کلید اصلی در بهبود مهارت‌های شناختی مانند کارکردهای اجرایی و توجه، پیشروی «بیرونی به درونی» است. یعنی این دسته از مهارت‌های در ابتدا بسته به موقعیت‌های بیرونی است و در طول فرایند رشد ابعادی درونی خواهند یافت. در برنامه‌های آموزشی مهارت‌های عصب‌روانشناختی تاکید بر این است که

با آموزش گام و گام و بعضاً بازی گونه و ایجاد بستری برای افزایش استقلال کودک در امر یادگیری و کاهش نقش واحد معلمان به نفع مبدل شدن کودکان به یادگیرندگان فعال، قدمی اساسی در جهت درونی شدن مهارت های شناختی برداشته می شود. به نحوی که در همین راستا قلمزن، ملکپور و فرامرزی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی بازی های توجهی بر میزان عملکرد حافظه و یادگیری کودکان پیش دبستانی با ناتوانی های یادگیری عصب روانشناختی نشان دادند که این برنامه آموزشی بهبودی قابل اعتمادی در عملکرد حافظه و یادگیری کودکان با ناتوانی های یادگیری عصب روانشناختی دارد. ملبی و هولم (۲۰۱۳) نیز با آموزش حافظه به عنوان یکی از مهارت اساسی عصب روان شناختی بر پیشرفت توانایی شناختی و عملکردهای تحصیلی دانش آموزان نارساخوان نشان دادند که این برنامه آموزشی بهبود قابل اعتمادی در عملکرد خواندن و توانایی های شناختی دانش آموزان خواهد داشت، که در واقع آنچه باعث بهبود عملکرد شناختی مانند حافظه در دانش آموزان نارساخوان می گردد بر مبنای نظریه اجرا کننده مرکزی است که در این برنامه آموزشی بصورت نادیده گرفتن اطلاعات کم اهمیت، هماهنگ سازی پردازش اطلاعات، کنترل راهبردهای موثر یادگیری و متناسب با مواد آموزشی و بازاریابی اطلاعات نادرست است، براین اساس مبتنی بر حلقه آوایی نادرست شکل گرفته در کودکان از زوال اطلاعات جلوگیری کرده و از اندوزش و پردازش کلامی درست در حال شکل گیری پشتیبانی خواهیم کرد. اصل دوم در قاعده اجرا کننده مرکزی صفحه دیداری - فضایی است که حفظ و نگه داری اطلاعات دیداری فضایی را بر عهده دارد و در تولید و نگهداری تصاویر ذهنی ناشی از شکل درست کلمات نقش کلیدی دارد. در این حالت با حمایت از نقاط ضعف کودکان در مهارت های پردازش شناختی و تعبیه برنامه آموزشی از تمرکز اشتباه بر اطلاعات اشتباه جلوگیری نموده و با تقویت مهارت های دیداری کودک اطلاعات لازم و حیاتی در مهارت خواندن را پردازش و اطلاعات حاشیه ای و کم اهمیت را نادیده می گیریم. در این برنامه آموزشی قائل به حایل رویدادی نیز خواهیم بود، بدین معنا که با در نظر گرفتن ارتباط متقابل و چندگانه بین مهارت های شناختی و عصب شناختی از طریق حایل رویدادی به یکپارچه سازی اطلاعات حاصل از توانمندی های گوناگون مانند حافظه فعال و حافظه بلندمدت نیز پرداخته ایم، حایل رویدادی مسئول یکپارچه سازی اطلاعات حاصل از خرده مولفه هایی مانند حافظه فعال و حافظه بلندمدت می باشد. به

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive

نحوی که صالحی آذری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان آموزش حافظه فعال دیداری فضایی براساس علوم عصب روان شناختی و تاثیر آن بر توجه کودکان نارساخوان نشان دادند که آموزش حافظه فعال، مهارت های دیداری فضایی گروه آزمایش را نسبت به گروه گواه غنی تر ساخته است و همچنین تاثیری انتقالی در تکالیف اجرایی توجه همچون توجه صرف، هشیاری بصری و سرعت بصری که بعد از آموزش بهبود یافته اند. بنابراین با توجه به ارتباط تنگاتنگی که بین مغز و یادگیری وجود دارد، می توان به اهمیت محیط پربار آموزشی پی برد. مغز فعال، پیوندهای نورولوژیکی بسیار مهمی برای یادگیری ایجاد می کند. در حالی که مغز غیرفعال این پیوندهای نورولوژیکی پایدار ضروری را ایجاد نمی کند. محیط پربار و استفاده از روش های مدرن آموزشی برای رشد و گسترش ساختارهای عصبی امری لازم و ضروری به شمار می آیند. به نحوی که صاحبان، امیری، کجباف و عابدی (۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثر کوتاه مدت آموزش کارکردهای اجرایی بر کاهش نشانه های کمبود توجه و نقص بیش فعالی در دانش آموزان پسر دوره ابتدایی شهر اصفهان نشان دادند که آموزش کارکردهای اجرایی منجر به کاهش نشانه های کمبود توجه در دانش آموزان گردیده است.

منابع

- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت اله. (۱۳۸۴). نارسایی های ویژه در یادگیری. تهران: انتشارات مکیال.
- صالحی، آ ذری. اثربخشی برنامه‌ی تمرین رایانه‌ای شناختی بر عملکرد حافظه‌ی فعال دیداری-فضایی دانش‌آموزان با مشکلات ریاضی. دوره ۳، شماره ۴، صفحه ۶-۲۴.
- فاطمه، صاحبان؛ امیری، شعله؛ کجباف، محمدباقر و عابدی، احمد. (۱۳۸۹). اثر کوتاه مدت آموزش کارکردهای اجرایی بر کاهش نشانه های کمبود توجه و نقص بیش فعالی در دانش آموزان پسر دوره ابتدایی شهر اصفهان. تازه های علوم شناختی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۵۸-۵۲.
- قلمزن، شیوا؛ ملکپور، مختار؛ فرامرز، سالار. (۱۳۹۳). اثربخشی بازی های توجهی بر میزان عملکرد حافظه و یادگیری کودکان پیش دبستانی با ناتوانی های یادگیری عصب روانشناختی، روانشناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۱، سال ۲۱، ۱۱۱-۱۲۴.
- کرک، ساموئل و چالفانت، جیمز. (۱۳۷۷). اختلالات یادگیری تحصیلی و تحولی. ترجمه سیمین رونقی، زینب خانجانی و مهین وثوقی رهبری. ناشر: سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- کرک، ساموئل و چالفانت، جیمز (۱۹۸۴). اختلالات یادگیری تحولی و تحصیلی. ترجمه: سیمین رونقی، زینب خانجانی و مهین وثوقی رهبری. (۱۳۷۷). تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی.

مهدی زاده، حسین؛ فیضی، فرخ و اسلام پناه، مریم. (۱۳۹۰). عنوان آموزش به شیوه «حرف-هجا-کلمه» با کمک چند رسانه ای های دیجیتال و تاثیر آن بر پیشرفت خواندن دانش آموزان پایه اول ابتدایی، فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۴۳-۱۵۱.

- Blair, C., Zelazo, D. & Greenberg, M. (2005). The measurement of Executive Functions in Early childhood. *J. Developmental Neuropsychology*, 28(2):561-571.
- Fletcher, J. M., Lyon, G. R., Fuchs, L. S., & Barnes, M. A. (2007). *Learning Disabilities from Identification to Intervention*. New York: Guilford Press.
- Kirk, S. A., Gallagher, J. J., Anastasiow, N. J., & Coleman, M. R. (2006). to children with reading difficulties: A comparison of two instructional methods. *Educational psychology*, 23, 17-45.
- Lerner, J. W., Lowenthal, B., & Egan, R. W. (2003). *Preschool children with special needs*. Boston: Allyn and Bacon.
- Semrud-Clikman, M., & Ellison, P. A. T. (2009). *Child neuropsychology (assessment and intervention for neurodevelopmental disorders)*. Springer press.
- Melby, M. & Hulme, C. (2013). Is working memory training effective? A meta-analytic review. *Developmental Psychology*, 2, 270-291.

.

بررسی روش آموزش مبتنی بر مهارت‌های عصب‌روان‌شناختی بر بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ناتوان یادگیری
Investigation based teaching methods on neuropsychological skills on improving cognitive